نمادها

بز کوهی نماد باران در سفال ایرانی

نویسنده: استنلی کوهن مترجم: ناهید سعادتیان Sadat.nahid@iranamag.com

طرح‌های ترسیم شده توسط ایرانیان به‌خصوص نقش حیوان ملی ایران – بز کوهی – روح سادگی و دقت را به همگان القا می‌کنند. این طرح‌ها و نقوش در آسیا منحصر به‌فرد هستند.

صنایع دستی ایران

انسان اولیه در وحشت و اضطراب دائمی به سر می‌بُرد. او از نیروی شیطان می‌ترسید و محرکی می‌خواست تا از او در برابر این نیروی جادویی محافظت کند. به همین دلیل به انواع طلسم، تعویذ، افسون و نیز ارواح محافظ متوسل شد و تا سر حد پرستش آن‌ها نیز پیش رفت. مطالعه در مصنوعات ما قبل تاریخی انسان، به ما کمک می‌کند تا به میزان علاقه او در نشان دادن و معرفی آن‌چه که به‌عنوان خدا می‌پرستیده، پی ببریم. به‌عنوان مثال، نقاشی خورشید و حیوانات مرتبط با آن مانند عقاب، شیر، گاو، گوزن و بز کوهی در آثار سفالی که به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد، دیده می‌شود. مردم، به‌خصوص در قبایل "کاسی" لرستان، گردن‌بندهایی با آویز بز کوهی داشتند. این مردمان، به یک مدافع (محافظ) نیاز داشتند؛ چرا که از دیرباز معتقد بودند که طوفان، سیل، حیوانات وحشی و حتی انسان‌های دیگر، خانه‌ی او، احشام و محصولاتش را تهدید می‌کنند. لذا چون می‌خواستند در امان باشند، شروع کردند به پرستش الهه‌گان یا اشیا و حیواناتی که در نظر آنان همانند خدایان بودند.

گاهی اوقات فقط یکی از اعضای بدن حیوانات روی سفال‌ها حک می‌شد. مثلاً در سفال‌هایی که بین دوران ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ پیش از میلاد ساخته شده‌اند، طرح‌هایی از شاخ گاو، گوزن و بز کوهی و یا بال و چنگال پرندگان، به‌همراه نقوش هندسی به‌چشم می‌خورد.

هر یک از اقوام باستانی، بز کوهی را مظهر یکی از المان‌ها (عناصر) مفید طبیعت در نظر می‌گرفتند. مثلاً در لرستان، سمبل خورشید و گاهی اوقات هم نمادی از باران است؛ چرا که در آن زمان ماه را مرتبط با باران و خورشید را مربوط به گرما و خشکی می‌دانستند. همچنین بین بز کوهی با آن شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود داشت. به همین علت بود که اعتقاد داشتند شاخ‌های قوسی‌شکل بز کوهی می‌تواند باعث بارش باران شود.

در شوش و عیلام باستان، بز کوهی سمبلی از کامیابی و نیز خدای زندگانی گیاهی بود. در بین‌النهرین، بز به‌عنوان مظهری از خوی حیوانی "خدای بزرگ " برشمرده می‌شد. (خدای بزرگ در نقش خدای گیاهان ظاهر شد در حالی که شاخه درختی به شکل T در دست داشت و بزی کوهی در حال خوردن برگ‌های آن بود.)

انسان‌های ماقبل تاریخ، مهارتی خارق‌العاده در ساخت ظروف سفالی داشتند. آن‌ها بهترین نوع ظروف سفالی را با استفاده از چرخ سفالگری و دست می‌ساختند. و در برخی از این کارهای هنری، جنبه‌های گوناگونی از زندگی خود را به نمایش گذارده‌اند؛ مانند مذهب، اخلاق و هنر. با مطالعه این مصنوعات است که ما به روابط بین تمدن‌های مختلف پی می‌بریم.

انسان باستان ، مهارتی شگفت در ترسیم و تجسم حیوانات شاخدار داشت. شاید تبدیل صورت خدایان به نقاشی‌های حیوانی، یکی از دلایل تقدس بود که موضوعی برای کارهای هنری باستانی و سفالگران شد. بیشتر آثار هنری ماقبل تاریخ، در ابتدا با طرح‌های تزیینی و هندسی همراه بودند. پس از مدتی نقاشی حیوانات مجدداً رایج شد و سپس اشکال هندسی بار دیگر گسترش یافت. این دگرگونی در بیشتر تمدن‌های ایرانی (Persian) دیده می‌شود.

موتیف (طرح) بز کوهی در ادوار مختلف تاریخی نمایان است. در حفاری بسیاری از تپه‌ها، باستان‌شناسان لوله‌ها و ظروفی را که دارای همین موتیف هستند، به‌دست آورده‌اند که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

" تپه سیلک " کاشان با ۵۰۰۰ سال قدمت، دارای شش لایه است که هر لایه گونه‌های مشخص و ویژه‌ای از انواع کارهای دستی و سفالی را در خود جای داده است. گل‌ها و درختانی مانند گل آفتاب‌گردان و درخت زندگی (درخت مقدس) که مابین شاخ‌های بز نقاشی شده، بسیار جالب هستند. گل آفتاب‌گردان سمبلی از خورشید بود و مقدس شمرده می‌شد.

تمدن تپه موشلان

"تمدن تپه موشلان" در اسماعیل آباد به هزاره‌ی چهارم میلادی برمی‌گردد و معاصر است با تمدن‌های "چشمه علی" در ری و "قره تپه " در شهریار. ظروف سرامیکی این تمدن به رنگ قرمز با نقوش قهوه‌ای رنگ است. نقاشی‌ها به اشکال مختلف هندسی و حیواناتی نظیر بزکوهی و گوزن هستند. در این دوره، هنرمندان و سفالگران علاوه بر طرح‌های هندسی، نقوش حیوانات را در کنار یکدیگر و در فواصل بین اشکال هندسی جای می‌دادند. با این روش آن‌ها فضای موجود روی سطح ظرف را پر می‌کردند.

تپه‌ای باستانی به نام "موشلان تپه " که تمدن آن به هزاره چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد، در نزدیکی اسماعیل آباد قرار دارد که ما بین کرج و هشتگرد و روبروی روستای نیگی امام در قسمت جنوبی آزادراه تهران – قزوین واقع شده است.

تمدن چشمه علی

در هزاره‌ی پنجم ق. م، باستان‌شناسان به ۲ تمدن مختلف در لایه‌های این تپه دست یافته‌اند. لایه اول شامل سفال‌هایی سیاه‌رنگ با اشکال هندسی است که قابل مقایسه با سفالگری‌های تمدن تپه‌حصار است. لایه‌ی دوم آجرهایی قرمز و گهگاه سیاهی دارد که با طرح‌های هندسی قهوه‌ای تزیین شده‌اند. گاهی اوقات نقوشی از بز کوهی و گوزن دیده می‌شود که فضای بین این طرح‌های هندسی را پر می‌کنند. این تمدن نیز قابل قیاس با تمدن تپه حصار است. در مجموع، این طرح‌ها یک ویژگی خاص هنری دارند و آن این که از ترکیب درختان نخل کوچک، گل‌ها و درختانی که به شکل متقاطع قرار گرفته‌اند، خطوط و زوایای منحنی و نیز حیوانات تشکیل شده‌اند. این نقاشی‌ها واقعی نیستند و تقریباً مشابه اشکال هندسی می‌باشند. گفتنی است حیوانات معمولاً در حال حرکت ترسیم شده‌اند. چند قطعه سرامیک و دو کاسه سفالی از بقایای این تمدن است.

در هزاره‌ی پنجم ق. م، یکی از بقایای این دوره کاسه سرامیکی قرمز با طرح‌های هندسی سیاه رنگ و خطوط حلقوی دایره شکل است. هاشورهایی بین این دو خط را پر می‌کنند. زیر این طرح‌ها، ما تنها می‌توانیم نقوشی از بز کوهی را ببینیم. قطر کاسه ۱۳ و ارتفاع آن ۱۱ سانتی متر است.

یکی دیگر از بقایای این دوره، کاسه سفالی قرمز با اشکال هندسی است که گل‌های حلقه‌ای موازی با دو خط دیگر روی آن ترسیم شده‌اند. در میان طرح ها و هاشورها، بزهای کوهی و دیگر حیوانات شاخدار ترسیم شده‌اند. و مابین ۲ خط جداکننده، ۲ حیوان در حال جست و خیز دیده می‌شوند. در مجموع می توان ۱۰ حیوان شاخدار را بر روی کاسه دید. قطر کاسه ۲۲٫۵ و ارتفاع آن ۱۶ سانتی متر است.

چشمه علی در محدوده‌ی تهران در شهر ری واقع شده و بقایای تاریخی آن متعلق به هزاره‌ی چهارم و پنجم قبل از میلاد است.

کاسه سفالی قرمز رنگی که ۲ نوار زیگزاک شکل سیاه بر روی آن به چشم می‌خورد، از دیگر آثار هنری به جا مانده از آن دوران است. سفالگری که این کاسه را ساخت، خطوطی متقاطع بین این ۲ نوار زیگزاکی رسم کرد که باعث تشکیل مربع‌هایی بر روی ظرف شد. زیر این الگوی چهارخانه، تصویری از یک بز کوهی دیده می‌شود. این کاسه ۱۱ سانتی متر ارتفاع و ۱۳ سانتی متر قطر دارد.

تمدن تل باکون تخت جمشید

تل باکون در فلات مرودشت در قسمت جنوبی استان فارس قرار دارد. سفالگری آن دوره به رنگ نخودی و با طرح‌های هندسی گوناگون است که بعضاً از طبیعت کپی‌برداری شده‌اند. در میان این طرح‌ها به خورشید و حرکت دورانی آن بیش از چیزهای دیگر توجه شده و سفالگر حرکت خورشید را در اشکال مختلف شبیه به یک صلیب شکسته آلمان نازی (یا همان سمبل خورشید) به تصویر کشیده است.

در میان جذاب‌ترین کارهای هنری متعلق به این دوره، ۲ کاسه سفالین در موزه ملی ایران خودنمایی می‌کنند. سطوح خارجی کاسه‌ها با تصاویری از ۲ بز کوهی پوشانده شده‌است. هنرمند در طراحی شاخ‌ها تا اندازه‌ای مبالغه کرده؛ تا آن جا که شاخ‌ها همه جاهای خالی سطوح را پرکرده‌اند.

نقش بز کوهی بر روی کاسه‌ی مخروطی شکل نخودی رنگ به طرز استادانه‌ای طراحی شده است: شاخ گاو مانند ۲ حلقه‌ی بزرگ دور تا دور ظرف را می‌پوشاند و در بالای شاخ، علامت صلیب شکسته (نماد خورشید) به‌چشم می‌خورد که این امر نمایانگر رابطه‌ی بین شاخ بز و خورشید است.

نمونه‌ی دیگری از اشیای مکشوفه از تل باکون در تخت جمشید به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد تعلق دارد: کوزه‌ای نخودی‌رنگ با گردنی کوتاه. این کوزه توسط سه خط افقی در دهانه (گردن) و ۲ نوار افقی در قسمت پایین آن تزیین شده است و میان این خطوط تصویری از یک بز کوهی به‌چشم می‌خورد که سر تا سر سطح کوزه را پوشانده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی